

نگاه حقوقی

ضرورت اصلاح قانون مطبوعات اما چگونه؟

حسین بشیری

وکیل پایه یک دادگستری

بحث اصلاح قانون مطبوعات، سال‌هاست که در محافل دانشگاهی، حقوقی و رسانه‌ای مطرح است. هرچند اصل این موضوع ضروری است، اما باید توجه داشت که اصلاح قانون، بدون شناخت دقیق از فلسفه رسانه و تحولات پرشتاب آن، می‌تواند به ابزاری برای محدودسازی آزادی بیان تبدیل شود. تجربه تاریخی هم نشان داده است که هر بار قانون مطبوعات در ایران تغییر کرده، به‌جای توسعه آزادی‌ها، اغلب محدودیت‌های بیشتری بر دوش خبرنگاران نهاده شده است. از همین روست که پیش از ورود به هرگونه اصلاح، چند نکته اساسی باید روشن شود.

۱. **فقدان نگاه حکیمانه در قانون‌گذاری رسانه‌ای:** امروز مهم‌ترین نگرانی آن است که اصلاح قانون مطبوعات به دست نمایندگانی انجام شود که متأسفانه درک درستی از اصل وجودی رسانه ندارند. فلسفه رسانه، در ذات خود «نظارت عمومی» و «افزایش شفافیت» است؛ رسانه چشم بیدار جامعه است و وظیفه دارد عملکرد حاکمان و ساختارهای قدرت را رصد کند. اما در مجلس‌های اخیر، نگاه غالب به رسانه، نه به عنوان یک نهاد مدنی و اجتماعی، بلکه بیشتر به عنوان تهدید یا مزاحم تلقی شده است. وقتی چنین نگرشی مبنای قرار گیرد، نتیجه آن تصویب قوانینی است که به‌جای تضمین آزادی مطبوعات، خبرنگار را در تنگنای حقوقی و کیفری قرار می‌دهد.

۲. **ضرورت تشکیل اتحادیه‌های صنفی مستقل و قدرتمند:** پیش‌نیاز هرگونه اصلاح در قانون مطبوعات، ایجاد و تقویت اتحادیه‌های صنفی رسانه‌ای است. در نظام حقوقی فعلی، هر فردی می‌تواند با یک شکوائیه و ذکر چند عنوان اتهامی، یک خبرنگار یا رسانه را مستقیم به دادگاه بکشاند. این رویه، هم پرهزینه است و هم خلاف عدالت صنفی، درحالی که در بسیاری از حوزه‌ها، مانند اصناف یا نظام پزشکی، ابتدا رسیدگی در نهاد صنفی انجام و فقط در صورت لزوم پرونده به مرجع قضائی ارجاع داده می‌شود؛ در حوزه رسانه چنین سازوکاری وجود ندارد. این باعث شده است که خبرنگاران عملاً بی‌پناه باشند. اگر اتحادیه‌های صنفی قدرتمند تشکیل شود، می‌توان تمام مراحل صدور مجوز، رسیدگی به تخلفات و حتی میانجیگری اولیه در دعاوی رسانه‌ای را به این نهادها سپرد. در این صورت، شکایت‌های غیرواقعی یا صرفاً برای آزار رسانه، در همان مرحله ابتدایی متوقف می‌شود.

۳. **اقتصاد رسانه؛ ستون فراموش‌شده:** هیچ رسانه‌ای بدون پشتوانه اقتصادی شفاف و پایدار نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. امروز بسیاری از رسانه‌ها به‌دلیل مشکلات مالی، یا تعطیل شده‌اند یا ناچارند وابستگی‌هایی پیدا کنند که استقلال حرفه‌ای‌شان را تهدید می‌کند. قانون مطبوعات اگر بخواهد اصلاح شود، باید هم‌زمان با تدوین یک نظام شفاف برای اقتصاد رسانه همراه باشد. این شفافیت هم به نفع خود رسانه‌هاست – چون منابع درآمدی‌شان روشن می‌شود – و هم به نفع جامعه، چون از نفوذ پنهان گروه‌های ذی‌نفع جلوگیری می‌کند. در همین راستا، یکی از مهم‌ترین موضوعات، «رپورتاژ آگهی» است. رپورتاژ آگهی برای بسیاری از رسانه‌ها منبع درآمد حیاتی محسوب می‌شود؛ اما نبود تعریف و ضوابط مشخص در قانون، باعث سوءاستفاده و گاه انحراف در این حوزه شده است. برخی رسانه‌ها از این ابزار برای باج‌گیری خبری یا همان «باج‌نویز» استفاده می‌کنند و برخی دیگر، به دلیل فقدان قواعد روشن، متهم به تخلفات تبلیغاتی می‌شوند. اگر قانون مطبوعات تعریف روشنی از رپورتاژ آگهی، نحوه انتشار، حقوق و تکالیف رسانه و آگهی‌دهنده ارائه دهد، هم اقتصاد رسانه سامان می‌یابد و هم سلامت حرفه‌ای آن حفظ خواهد شد.

۴. **تعریف جدید از رسانه در عصر انسان‌رسانه:** قانون مطبوعات فعلی، عمدتاً بر نشریات چاپی و خبرگزاری‌های رسمی تمرکز دارد. اما واقعیت امروز این است که نشریات مکتوب، دیگر مانند گذشته پرمخاطب نیستند؛ در مقابل، شبکه‌های اجتماعی و پدیده «انسان‌رسانه» جایگزین شده‌اند. امروز بسیاری از افراد در اینستاگرام، تلگرام، یوتیوب و سایر شبکه‌ها، با انتشار مستمر محتوا نقش یک رسانه کامل را ایفا می‌کنند. گاه تأثیرگذاری آنان بسیار بیشتر از یک روزنامه یا خبرگزاری رسمی است. اما چون قانون مطبوعات تعریف روشنی از این پدیده ندارد، این افراد نه از حمایت‌های مطبوعاتی برخوردارند و نه تکالیف مشخصی دارند. این خلأ قانونی، باعث شده در پرونده‌های قضائی، رویه واحدی وجود نداشته باشد. گاه یک کانال رسمی یک خبرگزاری، از مزایای قانون مطبوعات برخوردار می‌شود، اما کانال خبری محلی که واقعاً کارکرد رسانه‌ای دارد، از این مزایا محروم است.

۵. **تعیین صلاحیت محلی در جرائم مطبوعاتی:** یکی از مشکلات ریشه‌ای قانون مطبوعات، موضوع صلاحیت محلی در رسیدگی به شکایات است. بارها شاهد بوده‌ایم که شاکی، صرفاً برای فشار آوردن به یک رسانه، محل وقوع جرم را در یک شهر دورافتاده ذکر می‌کند. نتیجه آن است که مدیرمسئول و کفیل رسانه باید بارها به آن حوزه قضائی رفعاوت‌نامه کنند. هزینه‌های این رفعاوت‌آمد، از نظر اقتصادی، به‌ویژه بیش از مبلغ جرای نقدی احتمالی است. این وضعیت نوعی «مجازات غیررسمی» برای رسانه‌ها ایجاد کرده است. درحالی‌که اصل منطقی این است که محل وقوع جرم، همان محل استقرار دفتر رسانه یا نشانی رسمی آن باشد. اگر چنین اصلاحی انجام شود، بسیاری از مشکلات و هزینه‌های غیرضرور از دوش رسانه‌ها برداشته می‌شود.

۶. **ضرورت تعریف دقیق مفاهیم مبهم در قانون مطبوعات:** در متن فعلی قانون مطبوعات عباراتی کلی و تفسیرپذیر مانند «انتقادات سازنده»، «اصلاح جامعه» و «موازن اسلامی» آمده است. مشکل اینجااست که چون تعریف مشخصی از این مفاهیم ارائه نشده، زمینه سوءاستفاده و اعمال سلیقه در دستگاه‌های اجرایی و قضائی فراهم است. اصلاح قانون مطبوعات باید این اصطلاحات را به‌طور شفاف تعریف کند تا هر قاضی یا مقام اجرایی نتواند بنا بر برداشت شخصی، فعالیتی رسانه‌ای را جرم تلقی کند.

۷. **تعیین تکلیف دستورات شورای عالی امنیت ملی:** در عمل بارها پیش آمده که رسانه‌ها به‌دلیل انتشار خبری، با استناد به «مصوبات» یا «دستورات» شورای عالی امنیت ملی مورد تعقیب قرار گرفته‌اند؛ درحالی‌که این دستورات اغلب بدون ابلاغ رسمی و روشن به رسانه‌ها صادر می‌شود. ضروری است در قانون مطبوعات تعیین‌تکلیف شود که این دستورات به چه نحو باید به رسانه‌ها ابلاغ شوند؟ چه مرجعی مسئول تدوین و توضیح آنهاست؟ و رسانه چه حقوقی برای اعتراض یا استفسار نسبت به این‌ها دارد؟ شفاف‌سازی این موضوع می‌تواند از بروز برخوردهای سلیقه‌ای جلوگیری کند.

۸. **ضرورت بازنگری در مسئول قانون نسبت به رسانه‌های نوین و تصویری:** پایه و اساس قانون مطبوعات، بر مبنای رسانه‌های چاپی و سنتی است. اما امروز اکثریت جامعه اخبار خود را از رسانه‌های دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های تصویری دریافت می‌کنند. اصلاح قانون مطبوعات باید این واقعیت را ببیند و رسانه‌های نوین و تصویری را هم در دایره شمول خود قرار دهد. در غیر این صورت، قانون مطبوعات عملاً بخش عمده‌ای از فضای اطلاع‌رسانی کشور را پوشش نمی‌دهد و بی‌اثر خواهد شد. اصلاح قانون مطبوعات ضرورتی انکارناپذیر است؛ امّا اصلاحی که بر پایه شناخت درست از فلسفه رسانه، تحولات دیجیتال و نیازهای صنفی روزنامه‌نگاران انجام شود. اگر این اصلاحات صرفاً از منظر محدودسازی و کنترل تدوین شود، نتیجه آن باز تعضیف بیشتر آزادی مطبوعات خواهد بود. امّا اگر با نگاهی حکیمانه، همراه با تقویت اتحادیه‌های صنفی، شفاف‌سازی اقتصاد رسانه، بازتعریف جامع از رسانه، تعیین صلاحیت محلی روشن، تعریف مفاهیم مبهم، تعیین‌تکلیف دستورات شورای عالی امنیت ملی و در نهایت شمول رسانه‌های نوین و تصویری باشد، می‌تواند نقطه عطفی در حمایت واقعی از آزادی بیان و توسعه جامعه مدنی ایران شود.

«شرق» در گفت‌وگو با متخصصان حوزه بیماران خاص از پیامدهای تشدید تحریم‌ها بر سلامت و زندگی این گروه گزارش داد

شلیک به جان بیماران

بازگشت تحریم‌های ثانویه و پیچیده اتحادیه اروپا، شورای امنیت و سازمان ملل می‌تواند شرایط را برای بیماران بغرنج‌تر کند



که ممکن است ایجاد عارضه کند. به شرکت‌های داخلی هم مواد اولیه تولید دارو را نمی‌فروشند، یعنی اساساً شرکت‌های اروپایی و آمریکایی به ما دارو نمی‌فروشند. چهار سال است تلاش می‌کنیم جدیدترین داروی تالاسمی را از یک شرکت آمریکایی خریداری کنیم اما آنها دارو را نمی‌فروشند. این‌دارو می‌تواند در ایران تحوّلی در درمان تالاسمی ایجاد کند یا حتی ما را فز مطالعات بالینی قرار دهد. از طرف دیگر برخی کشورها را به دلیل تعداد زیاد بیمار دعوت می‌کنند که در فاز مطالعات بالینی داروهای جدید تالاسمی شرکت کنند که ایران هم یکی از همین کشورهاست. اما امروز کشورما را از فاز مطالعات بالینی داروها حذف کرده‌اند. این موضوع باعث می‌شود که داروهای جدید چندین سال دیرتر وارد کشور ما شود». به باور عرب، تحریم سلاحی است که علیه مردم آسیب‌پذیر استفاده می‌شود. نه افراد قوی؛ «وضعیت زندگی، وضعیت جانی و وضعیت سلامت این گروه می‌تواند نشان دهد که تحریم چه بلایی سر یک ملت می‌آورد، بنابراین هرگونه تکانش در وضعیت فعلی تحریم‌ها باعث وخیم‌ترشدن شرایط بیماران می‌شود. از طرف دیگر هرگونه پیشروی در مذاکرات و کاهش تحریم‌ها جانی دوباره به اقشار آسیب‌پذیر می‌دهد».

تهدیدی برای تشدید مشکلات دارویی هموفیلی

احمد قوی‌دل، مشاور هیئت‌مدیره کانون هموفیلی ایران، اما در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهد: «در اثر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، دسترسی ما به دارو محدود شده بود. یعنی این ادعای خزانه‌داری آمریکا که دارو و تجهیزات پزشکی در زمره اقلام تحریم نبودند، یک دروغ اساسی است. دارو، کالاست و برای خرید آن نیاز به ارز، مناسبات بانکی، مناسبات بیمه‌ای و باربری داریم. در حالی که همه این حوزه‌ها توسط آمریکا تحریم شده بود و عملاً از منابعی که تولیدکننده داروی آن سهامدار آمریکایی بود، به سختی می‌توانستیم در حقیقت تأمین دارو کنیم. این منابع به هیچ وجه ارزهای عربی ... را م‌سورد پذیرش قرار نمی‌دهند و اگر هم قرار بود خریدی انجام دهیم فقط با ارزی که در بانک مرکزی به ارز مرغوب یا ارز اروپایی معروف است، امکان خرید وجود داشت». او ادامه می‌دهد: «در صورت فعال‌شدن مکانیسم‌ها ممکن است اهرم‌های تبلیغی که ما علیه وضعیت موجود در گفتارما به کار می‌بردیم هم از دست برود. به این معنا که در حال حاضر وقتی درباره تحریم‌های آمریکا کمین می‌گذاریم یا با انجمن‌های نظیر خودمان مانند فدراسیون جهانی هموفیلی... و... مکتابه می‌کنیم، از عبارت تحریم‌های غیرانسانی و یک‌جانبه آمریکا استفاده می‌کنیم. به اعتقاد من مکانیزم ماشه می‌تواند این وضعیت را ایجاد کند که تحریم‌ها دیگر یک جانبه از سوی آمریکا نباشد، بلکه تبدیل به یک قاعده بین‌المللی شود». قوی‌دل تأکید می‌کند که فعال‌شدن مکانیسم ماشه ممکن است برای کشور ما مخاطره‌انگیز باشد زیرا می‌تواند در میزان دسترسی ما به اقتصاد جهانی و محصولاتی که در کشورمان نمی‌توانیم تولیدکنیم، اثرگذار باشد. محصولات دارویی هم از جمله همین گروه است؛ «این تحریم‌ها می‌تواند برخی دسترس‌های ما به ارزهای اروپایی و ارزهای قابل قبول برای برخی خریدهای دارویی را کاهش دهد. البته واقعیت این است که ما سال‌هاست در تحریم به سر می‌بریم و در همه این سال‌ها م‌مارست کرده‌ایم، ارتباطاتی داریم که از طریق آنها زمینه تأمین داروهای بیماران مان را فراهم کرده‌ایم. اما با بازگشت تحریم‌ها در روند فعال‌شدن مکانیسم ماشه ما وارد شرایط شدیدتری می‌شویم. مجوز زلزله بازگشت تحریم‌ها وارد حوزه دارویی نشده اما کارشناسان اقتصاد برای آینده نگرانی جدی دارند و ممکن است قیمت داروها و قیمت مواد اولیه وارداتی به‌شدت افزایش پیدا کند. امیدوارم در این یک‌ماهی که فرصت هست، بتوانیم از طریق رایزنی‌های دیپلماتیک کشورهای دیگر را قانع و از بازگشت مکانیسم ماشه جلوگیری کنیم».

بحران برای بیماران ام‌بی‌اس

«با وجود شرایط نگران‌کننده بیماران ما، به دلیل تحریم‌ها یک ماه است که داروی بیماران تیپ چهار و تیپ شش «ام‌بی‌اس» وارد کشور نشده است؛» این خبری است که «سارا نوری»، مدیرعامل انجمن حمایت از بیماران «ام‌بی‌اس»، به «شرق» می‌دهد: «بیماران مبتلا به تیپ‌های یک، چهار و شش «ام‌بی‌اس» دارو دریافت می‌کنند که از این‌ میان واردات داروی تیپ‌های چهار و شش با اختلال زیادی مواجه شد و متأسفانه بدن این کودکان واکنش‌های زیادی نشان داد، زیرا این بیماران برای بهبود کیفیت زندگی‌شان هر هفته باید آرتزیمی را تزریق کنند. در صورت واردنشدن این آرتزیم بیماران ما دچار بدن درد، مشکلات قلبی و ریوی، تنگی کانال گردن و کم‌بینایی می‌شوند». او به نوسان در واردات این داروی بیماران به دلیل تحریم‌ها هم اشاره می‌کند: «با توجه به تحریم‌ها یک ماه دارو بود و دوام نبود، در نتیجه این وضعیت بیماران ما به لحاظ جسمی دچار آسیب‌های زیادی شدند تا جایی که ریه برخی از آنها درگیر شد، مشکل تنفسی پیدا کردند و شرایط‌شان آن‌قدر نگران‌کننده شد که خانواده دیگر نمی‌توانست از بیمارش نگهداری کند و بیماران ما در آی‌سی‌یو بستری شدند. به دلیل نبود آرتزیم، مشکلات بیماران ما بیشتر شده و به دستور پزشکان بعضی از بچه‌ها با دستگاه اکسیژن‌ساز تنفس می‌کنند». مدیرعامل انجمن حمایت از بیماران «ام‌بی‌اس» اضافه می‌کند: «درو سنی بیماران ما از سه سال تا تقریباً ۲۵ سال است. هر چه سن بیماران بیشتر باشد، بیماری و مشکلات جسمی‌شان شدیدتر می‌شود. اگر تحریم‌ها تشدید شود، بیماران ما نمی‌توانند دارو دریافت کنند و باید با مشکلات بسیاری دست‌وپنجه

«شرق» در گفت‌وگو با متخصصان حوزه بیماران خاص از پیامدهای تشدید تحریم‌ها بر سلامت و زندگی این گروه گزارش داد

شلیک به جان بیماران

بازگشت تحریم‌های ثانویه و پیچیده اتحادیه اروپا، شورای امنیت و سازمان ملل می‌تواند شرایط را برای بیماران بغرنج‌تر کند

نرم کنند. ما واقعا نگرانیم که اگر آرتزیم به دست بیماران ما نرسد، باید چه کنیم. این شرایط سردرگم‌کننده است و امیدواریم مشکل هرچه زودتر حل شود و بیماران بتوانند داروی مورد نیاز خود را دریافت کنند».

بحران خودتحریمی

«رامک حیدری»، مدیرعامل انجمن دیستروفي ايران، امّا نظری متفاوت دارد. او در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند که بیماران خاص یا افراد دارای معلولیت بیش از اینکه تحت تأثیر تحریم‌های خارجی قرار گرفته باشند، از سوی مسئولان تحریم شده و دچار خودتحریمی هستند: «در دولت سیزدهم تلاش کردیم که برای بیماران مبتلا به «اس‌ام‌ای» دارویی را وارد کنند. وزارت بهداشت وقت می‌گفت به دلیل تحریم‌ها دارو را در اختیار ما قرار نمی‌دهند، امّا بعد از مدتی متوجه شدیم که حتی تعدادی از داروی مورد نظر ما را به صورت رایگان در اختیار وزارت بهداشت قرار داده‌اند اما این وزارتخانه همه را انبار کرده و پخش نمی‌کند. به این دلیل که اراده‌ای برای خریداری آن دارو نداشتند و نمی‌خواستند در این حوزه هزینه کنند. تحریم بهانه‌ای شده بود در دست مسئولان وزارت بهداشت وقت، در حالی که از آن طرف هیچ مشکلی نبود و اساساً دارو تحریم نبود». حیدری به این موضوع هم اشاره می‌کند که تنگناهای موجود در حوزه وسایل توان‌بخشی بیماران ارتباطی به جوامع بین‌المللی ندارد؛ «اجازه ورود ویلچرهای خارجی داده نمی‌شود تا ویلچرهای بی‌کیفیت ایرانی و چینی فروخته شوند. مشکل اساسی ما مافیای داخلی است. این مافیا تجهیزات توان‌بخشی و حتی داروهای بیماران ما را در دست گرفته است. این مافیاه‌ها مانع ورود تجهیزات و داروهای باکیفیت به کشور می‌شود. به عنوان مثال سال‌هاست که داروی «فلزاکورت» وارد لیست بیمه نشده، در حالی که کشور ترکیه آن را تولید می‌کند، جالب آنکه این دارو در کشور وجود دارد اما از

بمادی رسمی قابل دسترسی نیست. تنها علت این موضوع هم به نظر من مافیای دارو است که داروی بیماران ما را قاچاق می‌کند، داروهای که بچه‌های ما مجبورند به صورت مادام‌العمر خریداری و مصرف کنند». مدیرعامل انجمن دیستروفي ايران معتقد است که جامعه افراد دارای معلولیت از مکانیسم ماشه بابت تشدید تحریم تجهیزات و داروهایشان دل‌نگران نیستند؛ زیرا تا به حال هم به این لحاظ تأمین نبوده‌اند که حالا بخواهند نگران فقدان دسترسی به نیازهایشان باشند. هیچ‌چیز تا حالا نداشته که نگران باشند آنال قطع شود. این تحریم‌ها شاید بتواند تأثیری غیرمستقیم بر بیماران ما داشته باشد مانند گران شدن دلار و تأثیر آن بر زندگی و نیازهای بیماران. به نظر من تشدید تحریم‌ها فقط بهانه‌ای در دست مسئولان می‌شود که اگر هم بخواهند خدماتی بدهند، همان را هم قطع کنند. ما تا به امروز نه کالای باکیفیت خارجی مورد نیازمان را در بازار نداریم و نه دارو». حیدری با اشاره به اینکه مسئولان افراد دارای معلولیت را از ابعاد مختلف دچار تحریم کرده‌اند، می‌گوید: «ما از همه چیز محرومیم؛ از رفتن به پارک تا رفتن به مدرسه. سال‌هاست که بچه‌های ما با وجود استعداد فراوان ترک تحصیل می‌کنند؛ این موضوع ارتباطی با مکانیسم ماشه ندارد، بلکه مسئله آن است که دانش‌آموزان مبتلا به دیستروفي به دلیل معلولیت نمی‌توانند در مدارس حاضر شوند که مناسب‌سازی نشده‌اند. این موضوع برای آموزش و پرورش مهم نیست. معیار به مراکز ما هم مناسب‌سازی نشده‌اند و بیماران ما یک به یک خانه‌نشین شده‌اند».

کاهش امید اجتماعی

فاطمه موسوی‌ویایه جامعه‌شناس است و می‌گوید که تشدید تحریم‌ها، تهدیداتی است که به بیماران، مردم عادی و کل جامعه فشارهای روانی و جسمی زیادی وارد می‌کند. او به «شرق» می‌گوید که تهدید به فعال‌شدن مکانیسم ماشه و تشدید تحریم‌ها جامعه ایرانی را دچار تعلیق و بلاتکلیفی کرده است: «بعد از سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ و همچنین در همین دوران بعد از جنگ ۱۲ روزه جامعه ما به صورت مداوم در شرایط تعلیق بوده است، گویی که زندگی متوقف شده و مردم در انتظار واقعه‌ای هستند. آنها برای آینده و حتی آینده نزدیک هم توان برنامه‌ریزی ندارند. در چنین شرایطی نته‌ها سرمایه‌گذاری اقتصادی رخ نداده و کسب‌وکارهای جدید ایجاد نمی‌شوند، بلکه افراد به دلیل نداشتن تصویری از آینده و فقدان ثبات در داشتن شغل و امنیت اقتصادی فرزندآوری هم نمی‌کنند. یعنی نرخ فرزندآوری در سال آینده به احتمال بسیار زیاد از آنچه تا امروز شاهد بودیم هم کمتر خواهد شد». او اضافه می‌کند: «احساس استیصال، تعلیق و بن‌بست ابتدا صرفاً در حوزه اقتصادی بود اما از سال ۱۳۹۸ به بعد تبدیل به بن‌بست اجتماعی شد. امّا امروز شاهد بن‌بست در زندگی روزمره هستیم، یعنی به‌خصوص بعد از جنگ ۱۲ روزه افراد به لحاظ روانی چنان دچار استیصال و تعلیق شده‌اند که این وضعیت آتش‌بس یا «نه جنگ و نه صلح» زندگی روزمره را متوقف کرده است. بازگشت تحریم‌ها هم می‌تواند وضعیت اقتصادی و معاش مردم را بیش از پیش نامناسب کند. بحران در وضعیت اقتصادی هم به انواع بزه‌ها و آسیب‌های اجتماعی مانند خشونت، دزدی و خشونت خانگی به دلیل فقر و بی‌کاری دامن می‌زند؛ به بیان دیگر موج معضلاتی که در چند سال اخیر شاهد بوده‌ایم باز هم شدت می‌یابد. وضعیتي که به عنوان جامعه‌شناس آن را بنسار نگران‌کننده می‌نامیم، به او از کاهش امید اجتماعی هم می‌گوید: «میزان امید و نشاط اجتماعی نشان می‌دهد که رویکرد عمومی جامعه درباره آینده و روندهای آتی تا چه میزان مثبت است، جو عمومی جامعه چقدر زمینه رشد و شکوفایی افراد را فراهم کرده و چه فرصت‌هایی در اختیار افراد جامعه قرار می‌گیرد. افزایش موج مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور در سال‌های اخیر هم به دلیل همین ناامیدی جامعه رخ داده؛ یعنی مردم گمان می‌کردند که هرگز اوضاع بهتر نخواهد شد. بعد از جنگ ۱۲ روزه هم شاهد موج مهاجرت هستیم امّا این بار از تهران به سایر شهرها، یعنی آنها که نمی‌خواستند یا نمی‌توانستند به خارج از کشور مهاجرت کنند، زندگی در سایر شهرهای کشور را انتخاب کردند. این انتخاب هم ناشی از همان ناامیدی نسبت به بهترشدن شرایط است».

خبرخوان

تهرانی‌ها خون اهداکنید

ایستنا: سرپرست اداره کل انتقال خون استان تهران از شهروندان تهرانی درخواست کرد که نسبت به اهدای خون اقدام کنند.
محمدرضا شاداحمد قاسمی درباره مراجعه تهرانی‌ها برای اهدای خون گفت: «میزان مراجعه برای اهدای خون در شهروماه به دلایل گرمای هوا و افزایش سفرها و با توجه به نزدیک‌شدن به پایان تعطیلات تابستانی، کاهش می‌یابد. با توجه به میزان مراجعه برای اهدای خون، از شهروندان تهرانی درخواست می‌کنم که نسبت به اهدای خون اقدام کنند تا یاریگر بیماران نیازمند خون و فرآورده‌های خونی باشند». او با بیان اینکه خون و فرآورده‌های خونی یک نیاز روزانه است، افزود: «اگر چه علم پزشکی بسیار پیشرفت کرده اما خونی که در رگ‌ها جریان دارد، هیچ جایگزینی ندارد. اداره‌کل انتقال خون استان تهران از شهروندان تهرانی درخواست می‌کند به نحوی برنامه‌ریزی کنند که اهدای خون به امری مستمر تبدیل شود». او با بیان اینکه عمر خـون و فرآورده‌های خونی محدود است، توضیح داد: «عمر خون فرآورده‌های خونی محدود است، به نحوی که مدت‌زمان نگهداری گلبول‌های قرمز در نهایت ۳۵ و عمر پلاکت نیز چهار روز است. محدودبودن عمر خون و فرآورده‌های آن، مهر تأییدی بر ضرورت و نیاز اهدای خون مستمر است. همچنین پلاسما نیز تا سه سال قابلیت نگهداری را دارد. اگرچه پلاسما نیز یک نیاز است اما گلبول قرمز و پلاکت برای بیماران بسیار مورد نیاز است».

مشاهده دو قلاده یوز در نایبندان بعد از یک دهه

ایستنا: مدیر کل حفاظت محیط زیست استان خراسان جنوبی گفت: «آغاز پایش پناهگاه حیات وحش نایبندان از ابتدای سال جاری امروز بعد از یک دهه دو قلاده یوزبلیک آسیایی در مرزهای شمال شرقی پناهگاه حیات وحش نایبندان مشاهده شد».
علی خانی با اعلام این خبر افزود: «این اتفاق بعد از تأیید معاونت طبیعی سازمان درباره لزوم پایش این منطقه رخ داد. این درحالی است که سال‌ها پایش این منطقه برای ثبت گونه ارزشمند یوزبلیک آسیایی متوقف شده بود». او اشاره به اینکه یک قلاده از دو قلاده مشاهده شده و بالغ و یکی با جنسیت نامعلوم است، گفت: «با این مشاهده فرضیه وجود جمعیت دوم یوز بعد از جمعیت توران قوت گرفت و بدون ائتلاف وقت برنامه‌ریزی‌های لازم برای پایش این منطقه انجام خواهد گرفت». او ادامه داد: «هم‌اکنون فقط دو یورسین در این منطقه فعال است، ما مجوزهای لازم را برای پایش گسترده پناهگاه حیات وحش در دریافت کرده‌ایم و برای این کار نیازمند دوربین‌های بیشتری هستیم».
خانی تأکید کرد: «خرادماه امسال نیز ردپا و سرگین یوز در شهرستان عشق‌آباد که نزدیک به یک پانزلی توران است، مشاهده شده بود اما احتمال مشاهده این گونه در نایبندان با توجه به متوقف‌شدن عملیات پایش و نبود گزارشاتی در این باره کاهش یافته بود».

هشدار سیلاب وآآماده‌باش نیروهای هلال‌احمر

سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «دمای پاییزی از امروز به نیمه شمالی کشور می‌رسد و در برخی استان‌ها وقوع پدیده‌های جوی خطرآفرین پیش‌بینی می‌شود».
بر اساس این اطلاعیه، بنا بر پیش‌بینی‌های سازمان هواشناسی، دمای پاییزی از امروز به نیمه شمالی کشور می‌رسد و در برخی استان‌ها وقوع پدیده‌های جوی خطرآفرین پیش‌بینی می‌شود: «در جاده‌های مازندران طی ساعات بعدازظهر و بکبار و رعدوبرق رخ خواهد داد و احتمال وقوع سیلاب، طغیان رودخانه‌ها و سقوط سنگ در محورهای کوهستانی این استان وجود دارد؛ بنابراین هم‌وطنان باید با احتیاط تردد کنند. همچنین بارش‌های موسمی در استان هرمزگان همچنان تداوم دارد و در ارتفاعات و دامنه‌ها احتمال طغیان رودخانه‌های فصلی بالاست. تیم‌های امدادی و عملیاتی هلال‌احمر در استان‌های درگیر در آمادیه‌اش کامل قرار دارند. از هم‌وطنان درخواست می‌شود در شرایط هشدار از مراقب در حاشیه رودخانه‌ها، مسیل‌ها و اتاق کوهستانی خودداری کرده و در صورت بروز حادثه، بلافاصله با شماره اضطراری ۱۱۲ تماس بگیرند».